عکس: سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

توسعه و تقویت موسیقی اقوام از برنامه‌های اصلی وزارت فرهنگ است

فرهنگی

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در آیین پایانی دوازدهمین جشنواره موسیقی مناطق زاگرس‌نشین که شب جمعه در بروجن برگزار شد، با بیان اینکه جشنواره موسیقی مناطق زاگرس‌نشین نشان دهنده قدرت هنر در ایجاد همبستگی ملی است، گفت: توسعه و تقویت موسیقی اقوام یکی از برنامه‌های اصلی وزارت فرهنگ است.
او، این جشنواره را رویدادی کم‌نظیر برشمرد و ادامه داد: این جشنواره نشان‌دهنده تأثیر هنر در ایجاد همبستگی و انسجام ملی است.
این قدرت هنر است که افراد را با قومیت‌ها و گویش‌های مختلف کنار هم می‌نشاند و چنین صحنه‌های با عظمتی خلق می‌کند.
وی افزود: اینکه هنرمندانی از یک محدوده جغرافیایی وسیع ایران‌زمین شامل آذربایجان، کردستان، کرمانشاه، همدان، اصفهان، کهگیلویه‌وبویراحمد، خوزستان و چهارمحال‌وبختیاری در کنار هم چنین جشنواره با عظمتی را آفریدند تحسین‌برانگیز و قابل قدردانی است.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تصریح کرد: ابتکاری که عزیزان در بروجن برای برگزاری این رویداد به کار بستند و جشنواره را به دوازدهمین دوره رساندند جای تحسین، تعظیم و تکریم دارد.
اسماعیلی با بیان اینکه توسعه موسیقی‌های محلی و مقامی یکی از برنامه‌های اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، تصریح کرد: باید به هنرهای اصیل ایرانی در شاخه‌های مختلف احترام بگذاریم. این هنر ایرانیان است که قرن‌ها و بلکه هزاره‌ها سینه‌به‌سینه منتقل شده و امروز به بخشی از هویت ملی ما ایرانی‌ها تبدیل شده است.
عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: امروز اقوام و قومیت‌ها با گویش‌ها، زبان‌ها، مذاهب و ادیان مختلف با انسجام ملی بالا زیر چتر واحدی به نام ایران گرد هم آمده‌اند. مردم عزیز ما امروز در کنار هم با احترام به سنت‌های هم و تکریم یکدیگر و ارج نهادن به آداب و سنن هر منطقه، ناحیه و بخش از ایران بزرگ یاد گرفته اند با قوت کنار هم زندگی کنند. این فرهنگ اصیل ایرانی است.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: ملیت در ایران پیش از اینکه محصولی از ناسیونالیسم جدید مغرب زمین باشد، برآمده از تاریخ درخشان این سرزمین است. ملیت ایرانی وقتی پدید آمد که هنوز در اروپا و مناطق مختلف جهان دولت‌شهرها مورد توجه بود. یک ملیت قوی و قدیمی که با ورود اسلام عزیز درخششی صدچندان پیدا کرد.

> این جشنواره نشان‌دهنده تأثیر هنر در ایجاد همبستگی و انسجام ملی است. این قدرت هنر است که افراد را با قومیت‌ها و گویش‌های مختلف کنار هم می‌نشاند و چنین صحنه‌های با عظمتی خلق می‌کند

اسماعیلی با اشاره به تلفیق سنت‌های دینی و آیین‌های ملی در فرهنگ ایرانی تصریح کرد: در فرهنگ ایرانی سنت‌های دینی چنان در کنار آداب ملی در هم‌آمیخته شدند که دیگر قابل تفکیک از هم نیستند. نوروز ما سنتی ملی است که با آداب دینی در هم‌آمیخته و امروز به عنوان یک سنت اصیل در تمدن ایران عزیز به آن نگاه می‌کنیم.وی افزود: آنهایی که تلاش می‌کنند این دو عنصر در هم تنیده را در تمدن ایرانی-اسلامی از هم جدا کنند فکر ناپخته‌ای دارند. ایران عزیز ما در حال درخشش است و مردم عزیز ایران با اقوام و گویش‌ها و زبان‌های مختلف زیر یک چتر واحد به سمت ایجاد تمدن بزرگ ایرانی-اسلامی در حال حرکت هستند.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: خدا را شاکریم که در گوشه و کنار سرزمین عزیزمان این محافل هنری می‌درخشد و افرادی هنردوست و هنرمند با محبت و عاطفه کنار هم نشسته‌اند. این عمق فرهنگی سرزمین کهن ما را نشان می‌دهد.
اسماعیلی افزود: سپاس و درود بیکران خود را نثار مردم عزیز چهارمحال‌وبختیاری می‌کنم. مردمی که مثل دژی مستحکم در تمام طول تاریخ از هویت ملی و ایرانی ما محافظت کردند و در نقاط عطف این سرزمین مانند مشروطه، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نقش‌های مهمی بر عهده داشتند. به مردم عزیز شهر هنرپرور بروجن که مجموعه‌ای از خوبی‌ها را در خود جای داده است نیز ادای احترام می‌کنم. باید از این همه هنر و هنرمندی و فرهنگ و فرهنگ‌دوستی سپاسگزاری کرد.
وی با قدردانی از دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره موسیقی مناطق زاگرس‌نشین و همه مسئولان حوزه فرهنگ استان چهارمحال‌وبختیاری، اظهار امیدواری کرد این رویداد موسیقایی در دوره‌های آتی درخشان‌تر و در افق‌هایی بلندتر برگزار شود.
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به مصوبات سفر یک‌روزه‌اش به چهارمحال‌وبختیاری در زمینه ارتقای زیرساخت‌های فرهنگی این استان، گفت: تلاش می‌کنیم با تهیه بسته ویژه‌ای برای این استان سرعت روند اجرایی پروژه‌های زیرساختی حوزه فرهنگ و هنر چهارمحال‌وبختیاری را افزایش دهیم و گامی در مسیر اعتلای فرهنگ و هنر این منطقه برداریم.

نیازمند گسترش روحیه طنزپردازی در جامعه هستیم

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی روز جمعه در هفتمین جشنواره ملی طنز و رسانه «طنز پهلو» بزرگداشت کیومرث صابری فومنی با بیان اینکه او، نویسنده‌ای ادیب بود که نجیبانه می‌نوشت، گفت: نیازمند گسترش روحیه طنزپردازی در کشور هستیم و با توجه به اینکه ایرانیان اهل شعر و ادب هستند ظرفیت زیادی در این حوزه دارند و در قالب کنایه، استعاره و طنز پیام خود را به مخاطب می‌رسانند، این ویژگی جامعه ایرانی با رویکرد متعهدانه باید تقویت شود.او افزود: صابری توانست با نوع هنر و خلاقیت خود مردم را برای دریافت شماره بعدی نشریه «گل‌آقا» مشتاق و منتظر نگه دارد. صابری ادیبانه و نجیبانه می‌نوشت و گل‌آقا به‌صورت حقیقی و دقیق مرزها را رعایت می‌کرد و احترام لباس روحانیت و سنت‌های دینی و جامعه را داشت.اسماعیلی تصریح کرد: در آستانه ۲۰ سالگی از دست دادن طنزپردازی چون مرحوم صابری فومنی قرار داریم. نباید فقدان جسم مادی صابری باعث فراموشی او باشد، باید چنان عمل شود که نسل‌های آینده بیش از ما از صابری فومنی یاد کنند. گذشت سال‌ها بر ارزش کار هنری می‌افزاید و هنر بها خواهد یافت.وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آماده هستیم ازهمه کسانی که وارد عرصه هنر و طنزپردازی می‌شوند به‌صورت ویژه حمایت کنیم. به‌دنبال آنیم که این جشنواره طنزپهلو بزرگداشت مرحوم کیومرث صابری فومنی را به‌صورت ملی با حفظ موقعیت جغرافیایی آن در شهرستان فومن برگزار کنیم و به‌صورت ملی برای این جشنواره دبیرخانه دائمی در نظر گرفته شود.
وی خواستار برنامه‌ریزی ویژه برای برگزاری این جشنواره به‌صورت گسترده‌تر و جامع‌تر شد.

«اسفندیار» و «غریب»، ترجمان جدید از منافع ملی

گزارش تحلیلی

محمد رستم‌پور
روزنامه‌نگار

در کوران التهابات و در میانه شعله‌افروزی‌های ناآرامی‌های ۱۴۰۱ که باورها و تلقی‌ها، بیش و پیش از روسری‌ها، مجسمه‌ها یا پرچم‌ها به آتش کشیده می‌شد و جان‌ها بر اثر خیانت‌ها و جهالت‌ها از دست می‌رفت، یک پرسش اساسی در ذهن‌ها جا باز می‌کرد: سرنوشت جامعه چه می‌شود و جامعه به کجا می‌رود؟ این پرسش بی‌آنکه در پی آن باشد که برای جامعه یک هویت متمایز و مستقل از جمع افراد هم‌زیست در یک محیط قائل شود، جامعه را دارای مختصات و معیارهای ملموس اما غیرمحسوس می‌شناسد. جامعه بر ارزش‌ها، هنجارها و در یک معنای کلی‌تر، تفاهم‌هایی بنا می‌شود که از هم‌زیستی افرادی که در آن تنفس می‌کنند به یک هم‌سرنوشتی انسان‌ها که در کنار هم با همه فاصله‌های کم یا زیاد فکری و جغرافیایی زندگی می‌کنند، می‌رسد. این هویت مستقل و متمایز است که ناگاه مثل موجی بلند به ساحل می‌رسد و توجهات را تکان می‌دهد. مثل واکنش به شهادت آرمان علی‌وردی یا تأثر حاصل از شهادت حمیدرضا الداغی.
با این مقدمه، جامعه پس از ۱۴۰۱ باید دوباره به تفاهم‌ها و سپس توافق‌ها بازگردد. از اشتراکات بپرسد و اختلافات را بازبینی کند تا هنجارها و معناها را دوباره بنویسد. این نگارش دوباره تکلیف فرهنگ است؛ بازآرایی دوباره جامعه و بازسازی دوباره نظم و آرایش اجتماع. فرهنگ باید از اختلافات و شکاف‌ها سراغ بگیرد و تردیدها و تأمل‌ها را به رسمیت بشناسد. ذات فرهنگ است که تضارب، تنوع و تدریج را می‌فهمد و مهم‌ترین سرمایه و دارایی فرهنگ در این مأموریت خطیر برای زنده ماندن جامعه، تاریخ است، بویژه با این ابرپرسش که چه شد جامعه جامعه شد و چه می‌توان کرد که جامعه، جامعه بماند؟ از این رو است که بازگشت به نظم و نظام اجتماعی برآمده از یک تجربه تاریخی، تنها راه ترمیم جامعه‌ای است که خصم بیرونی و جهل درونی، به اسم چندگونگی، آن را چندپاره می‌خواهد.
در نتیجه فرهنگ است که با دارایی تاریخ، امکان بازسازی جامعه‌ای که متأثر، مکدر و متألم از آسیب‌های امنیتی و نزاع‌های سیاسی است، فراهم می‌کند.
به‌رغم آنکه در میانه التهابات، امکان سخن گفتن و زمینه سیاست ورزیدن بسیار کاهش یافت، آثار و رویدادهایی بودند که حرف‌هایی درخور تأمل و شنیدنی ارائه کردند. نمایش «هفت خان اسفندیار» و فیلم سینمایی «غریب» از این جمله‌اند.
خلاف آنچه برخی تصور و تصویر کردند، فضای پرالتهاب ناآرامی‌ها، برجستگی پیام این دو اثر را آشکار کرد. تماشای هر دو و دقت در پیام‌هایی که قصد داشتند با جامعه مجروح ایران سخن بگویند، می‌تواند این ادعا را روی میز بگذارد که مضامین فرهنگی آثار نمایشی اعم از تئاتر، فیلم سینمایی و سریال، چه در بسترهای رسمی و چه در بسترهای نیمه‌رسمی، منافع ملی را بازتعریف نمی‌کند. سه پیام یا مضمون مشترک این دو که اتفاقاً برآمده از یک سازمان تولیدی است، نشان می‌دهد ناخودآگاه یا خودآگاه، آثار نمایشی می‌توانند سخن بگویند و سیاست را سامان دهند:
نگاه فرامادی به جهان: هم «غریب» و هم «هفت خان اسفندیار» مبلغ و مروج معنویت هستند. معنویت نه به معنی گنجاندن آداب و مناسک در فیلم یا نمایش به شکلی عارضی، تبلیغاتی یا پیوستی. سکانس واقعه‌خوانی شخصیت شهید بروجردی همراه با اشک یا نیایش‌های مادر اسفندیار برای توفیق‌یابی او در جدال نابرابر با باطل، سکانس‌های جداگانه از روند فیلم یا نمایش نیستند. مخاطب در یک جریان پیوسته دریافت معنا درمی‌یابد که ماجرای این دو شخصیت به نگاهشان به عالم بالا متصل است و آنان «برخوردار» از نیروی اعتقادند، نه اینکه «تزریق شده» از اعتقادند. در تعریف فیلم دینی یا اثر هنری توحیدی گمان این است که حتماً باید بوم مقابل بیننده، دو رنگ سیاه و سپید با فاصله از هم تصویر شوند، حال آنکه حق‌مداری و حق‌بینی، حاصل مواجهه و مقابله شخصیت‌ها و کاراکترهای درون خودشان با خودشان است که به بیرون از ایشان تسری می‌یابد. در «هفت خان اسفندیار»، گرگ‌سانان یا تورانیان، قومی مجزا از ایرانیان نیستند، بلکه ادامه نفسانیت اسفندیارند یا در «غریب» کومله و دموکراتی که به کودک‌کشی و تجاوز به زنان روی آورده‌اند تا سهمی از قدرت سیاسی به چنگ آورند، همان انسانی هستند که نتوانسته‌اند بر باطل درون خویش فائق آیند. علاوه بر این، ایمان به سنت‌ها، اعتقاد به غیب و سهیم دیدن خود در جهانی که پر از نشانه و آیت است، برای اتصال به مبدأ، سبب می‌شود مخاطب خود را محمد بروجردی بداند، اگرچه بروجردی دیگر زنده نیست و اسفندیار را بشناسد، اگرچه اسفندیار افسانه است. چنین نگاهی سبب می‌شود در حکمرانی، گونه‌ای از تکلیف نتیجه‌محور و عقلانیت مؤمنانه جلوه کند که منافع ملی را فراتر از هواهای نفسانی و مجادلات جناحی بشناسد. چه کسی است که انکار کند زورگویان جهان در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ به دنبال انزوای ایران بودند و اتفاقاً خدا نخواست که ایران تنها بماند. این اراده الهی به دست و خون و اراده کسان و چهره‌هایی رقم خورد که خود را تحت نظر می‌دیدند و وقایع و رخدادها را برآمده از سنت‌های خداوندی می‌دانستند و این اتفاقاً همان رئالیسمی است که صاحبان وجاهت‌های دیپلماتیک بدان استناد می‌کنند.
مقاومت بنیانی و استقامت‌خواهی: در «هفت خان اسفندیار»، ایرانیان به سرعت پیروز نمی‌شوند؛ فراز و نشیب دارند، کم می‌آورند، خسته می‌شوند، رنج می‌کشند و حتی فریب می‌خورند، اما ناله نمی‌کنند، جزع و فزع نمی‌کنند، بر روزگار فریاد نمی‌زنند. در «غریب» نیز با شخصیتی راضی روبه‌رو هستیم که سرخوشی او تنه به جنون می‌زند. محمد بروجردی تصویر شده در «غریب» خیانت می‌بیند، جهالت می‌بیند، کم‌صبری و زودرنجی می‌بیند، بی‌فکری و ناشکری می‌بیند، اما صبر می‌کند و بالاتر مقاومت می‌کند و بالاتر از آن، استقامت می‌کند. با این همه، رنج در «غریب» و در «هفت خان اسفندیار» شیرین است، نه به این خاطر که به ثمر و نتیجه می‌انجامد، بلکه به این دلیل که خودخواسته است. ایثار است که رنج را خواستنی می‌کند، وگرنه آدمی از زحمت گریزان است. ممارست و مجاهده محمد بروجردی و اسفندیار در دستیابی به اهداف و مقاصدی که فراتر از توان و توشه آنان است، به دلیل انتخابگری آنان تماشایی می‌شود و البته اگر رنجی باشد، نفر اول بروجردی و اسفندیارند و اگر نعمت و موهبتی نصیب شود، آنان کناره می‌گیرند. رنج می‌برند تا دیگران رنج نبرند، انتخاب می‌کنند تا دیگران مجبور نشوند و اتفاقاً به تصویر کشیدن این رنج است که آنان را از هاله تقدسی که بزرگی‌شان به آنها عطا می‌کند، خارج می‌کند. ترسیم و تحصیل منافع ملی به دلیل پیچیدگی، زحمت بویژه اثری که بر شئون حکمرانی دارد، کار اصحاب رنج است. کسانی که اهل مقاومت، ممارست، پیگیری، خستگی‌ناپذیری و جد و جهد باشند و از این حیث است که کار تخصصی است، چراکه تمرکز می‌طلبد و صد البته که مختص و منحصر در فعالیت دیپلماتیک نیست و چه بسا با تکوین‌های فناورانه امروز، دیگر ساحت‌ها و عرصه‌ها نیز پیشگام‌تر و پیشروتر باشند.

> این نگارش دوباره تکلیف فرهنگ است؛ بازآرایی دوباره جامعه و بازسازی دوباره نظم و آرایش اجتماع. فرهنگ باید از اختلافات و شکاف‌ها سراغ بگیرد و تردیدها و تأمل‌ها را به رسمیت بشناسد

استفاده از همه و نقش‌دهی به همه: اسفندیار به نیرو و قدرت خود واقف است اما کار تشکیل سپاه را به برادر می‌سپارد و محمد بروجردی هم می‌داند که کار تعامل با کردهای مسلمان زخم‌خورده از نابرادران کومله و دموکرات، روش و منش خاصی می‌طلبد اما این کار را به یارش که اتفاقاً چند بار به امر او بی‌توجهی کرده، واگذار می‌کند. اسفندیار حتی به سپاه رقیب هم نظر دارد و در پی استفاده از هنر و دانش گرگ‌سار برمی‌آید. همچنان که محمد بروجردی تمام تلاش خویش را به کارمی‌گیرد تا فریب‌خوردگان کومله و دموکرات توبه کنند و حتی کار شناسایی مقر مهم‌ترین دشمنش را به شخصیت «سیروان» می‌سپارد.
قهرمان شاهنامه و قهرمان دفاع مقدس، پیش از آنکه همه‌کاره باشند، یک‌کاره هستند و آن رهبری است. قرار نیست همه رهبر باشند و قرار نیست رهبرها همه کارها را انجام دهند. با این نگاه، «غریب» و «هفت خان اسفندیار» آثار ملی به شمار می‌روند. اثر ملی به اثری با تولید و ساز و برگ و هزینه عظیم گفته نمی‌شود، اثر ملی یعنی آنچه تکثرها را در جهات فرهمندی ملی سامان دهد. قرار نیست همه مثل هم فکر کنند و قرار نیست همه شبیه هم رفتار کنند. قرار نیست کسی اشتباه نکند و قرار نیست کسی بدون اشتباه باشد. اختلاف، طبیعی است اما تفرقه چنین نیست. محمد بروجردی در عین آنکه جاذبه دارد، منفور است و اسفندیار در آنی که اعتماد می‌کند، دشمن را از تیغ می‌گذراند. مهم آن است که جنگ و صلح، دافعه و جاذبه، تقابل و تساهل، برخاسته از یک منطق، انضباط و اصول مبتنی بر بسط عدالت باشد. عدالت‌خواهی و عدالت‌پویی، یک مسیر ندارد اما سیمای مشخصی دارد. علاوه بر این، محمد بروجردی در جنگی همه‌جانبه گرفتار آمده است که دوست و دشمن را از هم نمی‌شناسد. این وضعیت، صرفنظر از چگونگی نگرش به مخلوقات، اقتضا، برنامه و راهبردی روشنگرانه و تبیینی می‌طلبد. در سکانسی او به اعتراض به یکی از یارانش می‌گوید «چرا با اینها حرف نمی‌زنید» و بعد هم خود می‌رود در صف آنان می‌نشیند. اول می‌شنود، دوم می‌شنود و سوم هم می‌شنود و بعد می‌گوید؛ آن هم وقتی که باید بگوید.
محمد بروجردی و اسفندیار ایمان دارند، رنج می‌کشند و از همه ظرفیت‌ها برای نیل به مقصود بهره می‌برند. اینها درس‌های فیلم و نمایشی است که در میانه التهاب، از غیرت‌ورزی و ملی‌گرایی می‌گوید. هیچ یک روبه‌روی خود را متهم به باطل بودن نمی‌کند، اگرچه با باطل در ستیز سختی‌اند.
هیچ‌یک خود را حق مطلق نمی‌دانند اما خود را به اوصاف اهالی حقیقت نزدیک می‌کنند و با چنین نگاه و نگرشی است که از منافع ملی می‌گویند. منافع ملی تعریف شده فردای ۱۴۰۱ باید از ماده فراتر برود، در رهگیری و پیگیری آرمانش مقاومت کند و در نهایت همه را با خویش همراه سازد.

یادداشت

نداسیجانی
روزنامه‌نگار

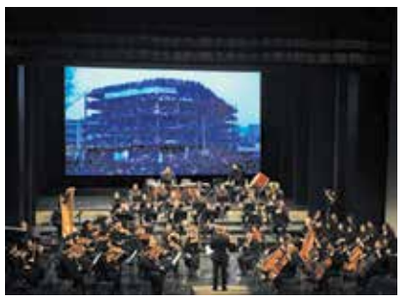

سمفونی «خط شکنان» در تالار وحدت برگزار شد

ادای احترام ارکستر سمفونیک به شهدای دفاع مقدس

سمفونی «خط شکنان» با حضور ارکستر سمفونیک تهران به روی صحنه رفت.
شامگاه چهارشنبه ۲۱ تیرماه، تالار وحدت میزبان میهمانان متفاوتی بود. حاضرانی که به پاس ادای احترام به شهدای دفاع مقدس در این مراسم حضور پیدا کردند تا دقایقی را با زبان هنر، به تجلیل از این حماسه‌سازان تاریخ بنشینند.
به گفته محسن موحدی، رئیس ستاد کنگره ملی شهدای استان قم، این سمفونی: «با هدف زنده نگه‌داشتن یاد شهدا بویژه شهدای لشکر خط شکن ۱۷ علی بن ابیطالب(ع) اجرا شده است تا با زبان هنر مفاهیم و سیره شهدا به نسل جوان منتقل شود. البته اجرای این اثر اختصاص به شهدای قم نداشته و یک اثر ملی است و در برگیرنده کلیدواژه‌هایی است که موجب انسجام، استحکام و بالا بردن روحیه ملی است.» موضوع مهمی که رهبر معظم انقلاب برآن تأکید داشتند و در این باره فرمودند: «با هیچ زبانی غیر از زبان هنر، نمی‌توان ویژگی‌های شهدا را بیان کرد.»
آیین بزرگداشتی که با حضور محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمود سالاری معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاون فرهنگی و سخنگوی ارشد نیروهای مسلح، معاون هماهنگ‌کننده بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، خانواده شهید زین‌الدین، سیدمجید پوراحمدی مدیرعامل صندوق اعتباری هنر، مهدی افضلی مدیر مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر، مهدی سالم مدیرعامل بنیاد فرهنگی هنری رودکی، صادق آهنگران، علی ترابی، کوروش زارعی، حمیدرضا نوربخش و جمعی از خانواده شهدا، جانبازان و ایثارگران دفاع مقدس برگزارشد.
سمفونی «خط شکنان» از ساخته‌های تازه بهزاد عبدی آهنگساز نام‌آشنای موسیقی ایران است. اثری که به رهبری منوچهر صهبایی و با حضور نوازندگان جوان و تازه وارد و نوازندگان باسابقه و همچنین با همراهی گروه کر به رهبری رازمیک اوحانیان، همزمان در ایام شریف مباهله به اجرا درآمد و مورد استقبال قرار گرفت. «آزادی»، «دفاع»، «تصویر شهید»، «رودیم و پرخروش» از قطعاتی بودند که با همراهی این ارکستر به اجرا درآمد. از نکات قابل توجه این برنامه، پخش تصاویری از انقلاب ۵۷ و دوران هشت سال دفاع مقدس و در ادامه سیمای شهدای دفاع مقدس بود که ارتباط تصویری و شنیداری زیبایی برقرار شده بود. دربخشی از این تصاویر شعری با همین مضمون به سروده عباس محمدی، روی پرده نمایان رفت «رودیم و پرخروش، سرویم و سرفراز... هم موج سرکشیم، هم شعله می‌کشیم، همپای آتشیم در راه تو وطن...»

سمفونی «خط شکنان»، رسالت هنری در بیان گرامیداشت حماسه‌سازان دفاع مقدس

محمدمهدی اسماعیلی در پاسخ به «ایران» درباره اثرگذاری زبان هنر بویژه موسیقی در بیان حماسه‌های تاریخی ایران گفت: «در دیداری که رهبر عزیز انقلاب به مناسبت کنگره شهدای قم داشتند، چندباری تأکید کردند که با استفاده از زبان هنر حماسه بزرگ دفاع مقدس و یاد شهدا را گرامی بداریم و ماندگار کنیم. همکاران من تلاش کردند با سمفونی «خط شکنان»، بخشی از رسالت هنری خود را انجام دهند.»
او ادامه داد: «همه بخش‌های فرهنگ و هنر خود را مکلف می‌دانند از ابزار فرهنگ و هنر برای گسترش فرهنگ شهادت، فرهنگ دفاع مقدس و انقلاب اسلامی به نحو شایسته استفاده کنند. چند نوع کار هنری دیگر هم به مناسبت بزرگداشت شهدای قم با همکاری ستاد بزرگداشت استان قم در بخش‌های فرهنگی و هنری انجام شده که به عقیده من نمونه هستند. قرار است همین برنامه را در کنگره‌های بزرگداشت شهدای استان‌های دیگر هم داشته باشیم. پاییز دومین دوره این رویداد را در کنگره شهدای استان همدان داریم که برنامه‌های ویژه موسیقایی، تئاتری و... برای آن تدارک دیده شده است.»
وزیر فرهنگ تصریح کرد: «به طور کلی در حال تدارک دیدن یک مجموعه بسته فرهنگی و هنری متنوع در کنار هر کنگره بزرگداشت استان‌ها هستیم تا زبان هنر را در خدمت نشر معارف دفاع مقدس و انقلاب اسلامی قرار دهیم.»
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره حضور ارکسترهای ایرانی در خارج از کشور و حمایت وزارتخانه در این زمینه به «ایران» گفت: «ارکستر ملی ما در روسیه درخشید و اجراهای آن خیلی مورد توجه قرار گرفت. کار مشترکی بود که نوازندگان روسی هم در کنار نوازندگان ارکستر ما در آن برنامه نواختند. قرار شد که بتوانیم این کار را مجدداً در هفته فرهنگی در تهران ادامه دهیم. ما دست دوستان در بنیاد رودکی را برای حمایت از حضور ارکسترها در خارج از کشور باز گذاشتیم. چند سمفونی جدید هم در راه است.»
او در ادامه در پاسخ به یکی از خبرنگاران درباره جشنواره فیلم خزر که قرار است با همکاری کشورهای همسایه شمالی ایران برگزار شود و حضورش در بخش بین‌الملل جشنواره فجر گفت: «این جشنواره به‌عنوان یک جشنواره مستقل با حضور پنج کشور حاشیه دریای خزر برگزار می‌شود. در سفر اخیر به روسیه توافق‌های آن انجام شد. چند برنامه مشترک دیگر هم داریم که مهم‌ترین آن همین برنامه خزر است.»
برگزاری سمفونی خط شکنان، به همت مؤسسه کمک به توسعه فرهنگ و هنر، بنیاد رودکی و کنگره ملی شهدای استان قم بود.